



The Appropriateness of judicial Intervention with the Degree of Corporate Insolvency in Iran's law and France Law

- Zahra Mahmoodi**  Ph.D. Student in private Law. Islamic Azad University South Tehran Branch. Tehran. Iran
- Mehdi Montazer** *  Asistant Professor of Private Law. Islamic Azad University. Faculty of Humanities. Damavand Branch. Tehran. Iran
- Hamid Reza Adabi** Asistant Professor of Public Law. Islamic Azad University North Tehran Branch. Tehran. Iran
- Eisa Kheiri** Associate Professor of Private Law. Islamic Azad University South Tehran Branch Tehran. Ir

Abstract



The degree of corporate insolvency varies significantly between enterprises. However, a formal classification of these insolvency degree is missing. Additionally, the appropriateness of available proceedings with different degrees of bankruptcy is still a matter of active debate. In this article, we first introduce three distinct stages of insolvency, namely the third degree (likely), the second degree (final), and the first degree (critical). We then perform a comparative analysis of Iranian and French law to study the extent to which judicial interventions match the introduced degrees of corporate insolvency. Iranian law provides a wide range of procedures for third-degree insolvency, including "trade insolvency" "immediate settlement", "temporary control", "halt prevention", "production support", and "preventive scheme of arrangement." French law, on the other hand, provides mechanisms for "alert", "ad hoc representative", "compromise arrangement", "conciliation", and "safeguard proceedings." In the second degree case, both countries offer proceedings for "scheme of arrangement" and "reorganization planning;" however, their logic and executive processes differ. Finally, for the first-degree insolvency, both countries ultimately end in liquidation proceedings.

Keywords: Enterprise, corporate insolvency, Safeguard Proceeding, Judicial Liquidation, Judicial Reorganization, Ad hoc Representative.

* Corresponding Author: Montazer@damavandiau.ac.ir

How to Cite: Mahmudi, Z., Montazar, M., Adabi, H. R., & Kheiri, E. (2022). The Appropriateness of judicial Intervention with the Degree of Corporate Insolvency in Iran's law and France Law". *Private Law Research*, 10(39), 143- 173. doi: 10.22054/jplr.2022.64999.2633

تناسب مداخلات قضائی با درجهٔ توقف بنگاه اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران	 زهرا محمودی
استادیار حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند، تهران، ایران	 * مهدی منتظر
استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران	حمیدرضا آدابی
دانشیار حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران	عبسی خیری

چکیده

شدت توقف بنگاه‌های اقتصادی بسیار متفاوت است اما تاکنون طبقه‌بندی رسمی برای آن صورت نپذیرفته به علاوه تناسب مداخلات قضائی با درجه توقف بنگاه نیز محل بحث است. در این مقاله ضمن تقسیم «شدت توقف» به سه درجه «احتمالی یا درجه سه»، «قطعی یا درجه دو» و «بحرانی یا درجه یک» حقوق موضوعه - کشورهای ایران و فرانسه مورد تفحص قرار می‌گیرد تا میزان «تناسب مداخلات قضائی با درجه توقف» مقایسه گردد. در حقوق ایران برای نجات بنگاه «متوقف احتمالی یا درجه سه» که هنوز به مرز توقف نرسیده است راهکارهای موجود تحت عنوان «اعسار تجاری»، «تصفیه فوری»، «اداره موقت»، «پیشگیری از تعطیلی»، «حمایت از تولید و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه» پیش‌بینی شده است. در حقوق موضوعه فرانسه برای توقف احتمالی آئین‌های «هشدار»، «نماینده موقت»، «رویه تنظیم توافق»، «سازش» و «دادرسی حفاظت شده» و اخیراً ترکیبی از این روش‌ها پیشنهاد شده است. در «توقف قطعی یا درجه دو» در هر دو کشور مقررات مربوط به «قرارداد ارفاقی» و «طرح بازسازی» و گستره عمل و سهولت اجرای آن مورد بررسی قرار گرفت. در پایان برای «توقف بحرانی یا درجه یک» در هر دو کشور آئین «تصفیه و انحلال» مشاهده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بنگاه اقتصادی، توقف بنگاه، دادرسی حفاظت شده، تصفیه قضائی، بازسازی قضائی، نماینده موقت.

مقدمه

اهمیت بنگاه‌های اقتصادی به‌عنوان بخش مؤثری از جامعه تجاری در پیشرفت اقتصادی و سیاسی جوامع قانون‌گذاران را بر آن داشته که ضمن تفکیک سرنوشت اشخاص از بنگاه (فعالیت) آنها به تدوین مجموعه قوانینی بپردازند که ضمن تشخیص به هنگام مشکلات مالی بنگاه‌ها، امکان «پیشگیری» از بروز توقف و نجات و احیای بنگاه متوقف را فراهم سازد و چنانچه اقدامات لازم در جهت پیشگیری و درمان مؤثر واقع نگردید بنگاه متوقف زیان‌ده را که می‌تواند موجبات ورود آسیب جدی به اقتصاد محلی، ملی یا منطقه‌ای گردد، منحل نمایند.^۱

تدوین مقرراتی برای بنگاه‌ها بدون «ورود عمیق» به بحث توقف کاملاً غیر کاربردی است. جهت بررسی توقف نیز ضمن ارائه تعریفی که «ماهیت نسبی» آن را نشان دهد و اجزایش را مشخص گرداند باید به «آثار» آن نیز پرداخت.

موضوع این مقاله راهکارهای موجود جهت مواجهه با بحران‌های اقتصادی بنگاه‌ها در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه است و از آن‌جا که حقوق تجارت کشور ما تجانس زیادی با فرانسه دارد، مطالعه و تحقیق و برخورد تطبیقی دو نظام می‌تواند راهنمای مناسبی جهت مشکلات موجود در این زمینه باشد. از آنجا که در حقوق ورشکستگی ایران هنوز مجالی جهت توجه به شدت توقف بنگاه‌ها وجود نداشته مداخلات قضائی نیز متناسب با این امر نیستند و مقررات موجود نیز به‌طور پراکنده و ناموزون به چشم می‌خورند و لذا بررسی تطبیقی امکان تفکری عمیق‌تر در این خصوص را فراهم می‌سازد.

این تحقیق با سؤالات اساسی ذیل آغاز گردیده که اولاً چگونه می‌توان معیاری جهت تقسیم‌بندی توقف بنگاه‌ها یافت و ثانیاً در صورت کشف چنین معیاری مداخله قضائی متناسب با هر درجه از توقف چگونه است؟

در تحقیق حاضر «فرضیه اول» این است که با معیار «شدت توقف» می‌توان ورشکستگی را درجه‌بندی کرد و «فرضیه دوم» اینکه پس از چنین درجه‌بندی امکان مداخلات قضائی متناسب جهت اخذ نتیجه بهینه اقتصادی و اجتماعی مهیا می‌گردد.

1. Gullifer, Louise & Payne Jennifer, "Corporate Financial Law, Principles and Policy", Third edition, Hart Publishing, 2020, P. 26.

در راستای تحقق این موضوع مقاله حاضر در سه بخش متناسب با درجات توقّف به رشته تحریر در آمده است.

۱. توقّف احتمالی یا درجه سه

چنانچه بنگاهی با مشکلات و بحران‌های مالی مواجه شده، لکن هنوز به نقطه توقّف نرسیده باشد، متوقّف احتمالی است. در این مبحث حقوق موضوعه ایران و فرانسه در این درجه از توقّف بررسی می‌گردد.

۱-۱. حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه راهکارهای گوناگونی برای تجاری که با مشکلات مالی دست‌به‌گریبان هستند ولی هنوز به توقّف نرسیده‌اند وجود دارد که در اینجا اجمالاً مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما پیش از بررسی آیین‌های موجود جهت پیشگیری از بروز توقّف در فرانسه لازم است مفهوم و ابعاد بحث توقّف در این کشور تبیین شود.

۱-۱-۱. تعریف

آنچه که از پاراگراف نخست ماده L.631-1 اصلاحیه مورخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۵ قانون تجارت فرانسه^۱ برداشت می‌شود چنین است که «وضعیت عدم یا توقّف در پرداخت»^۲ وقتی حاصل می‌شود که پرداخت دیون برای بدهکار غیرممکن شده باشد؛^۳ یعنی باید حال و قطعی باشد و همچنین قابلیت تقویم داشته باشد. علاوه بر این در اصلاحیه قانون تجارت سال ۲۰۰۸ اضافه شده است که اگر یک بدهکار بتواند ثابت کند که به واسطه ذخایر اعتباری خود یا مهلت قانونی که از سوی طلبکاران مشخص شده است، امکان پرداخت بدهی‌های خود را از محل دارایی‌هایش دارد، مشمول شرایط عدم پرداخت نمی‌شود. همچنین منظور از دارایی، دارایی‌های در دسترس است. پس اگر بدهکار، خود از دیگری طلبکار است، ولی در حال

1. <https://www.legifrance.gouv.fr/codes/text>.

2. Cessation des Paiements.

3. Jacquemont, André et Régis Vabres, "Droit des entreprises en difficulté", 9e édition, (LexisNexis: 2015), P. 141.

حاضر امکان مطالبهٔ وجود ندارد، جزء دارایی در دسترس او محسوب نمی‌شود^۱ و از قرار گرفتن فرد در وضعیت توقّف جلوگیری نمی‌کند.

۱-۲-۱. آیین‌های توقّف احتمالی

در حقوق فرانسه «آیین‌های» گوناگونی برای تجّاری که با مشکلات مالی دست‌به‌گریبان هستند، ولی هنوز به توقّف نرسیده‌اند وجود دارد که در اینجا اجمالاً مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) هشدار

اولین قانونی که در جهت پیشگیری از مشکلات مالی بنگاه‌ها به تصویب رسید در سال ۱۹۸۴ بود. در این آیین مدیران بنگاهی که خود را با مشکلات مالی مواجه می‌دیدند و علائم ضعف را مشاهده می‌کردند و احتمال می‌دادند که در آینده دچار توقّف شوند، موظف بودند نوع و شدت مشکلات را اعلام کرده و راه‌حل پیشنهادی خود برای مقابله با آن را ارائه نمایند. در اینجا نقش مدیران به شدت تقویت می‌شد. آنها مجاز بودند بنگاه را آزادانه وارد فرآیندی کنند که ممکن بود حقوق طلبکاران را به مخاطره بیندازد. این واقعیت هر مخاطبی را وادار به مشاهده چگونگی «تکامل مفهوم اقدامات پیشگیرانه قبل از توقّف» می‌کند. ممکن است کمی جاه‌طلبانه به نظر برسد که بتوان از بروز توقّف بدین شیوه جلوگیری کرد، اما قانون اقدامات لازم را برای «هشدار»^۲ دربارهٔ بروز مشکلات قریب‌الوقوع در نظر گرفت. در واقع تمرکز بر پیش‌بینی مشکلات مالی پیش از ظهور آنها نبود، بلکه رسیدگی به مشکلات در اسرع وقت «پس از ظهور و پیش از بحرانی شدن» بود. اگرچه در این آیین اقدامات مکمل برای تشخیص زود هنگام مشکلات در آینده است، اما این هدف واقع‌بینانه توجه به تصمیم بنگاه و در نتیجه مدیریت آن را نیز در پی دارد. با عنایت به اینکه مسئولیت شروع یا عدم اقدامات پیشگیرانه بر عهدهٔ مدیران است و آنها می‌توانند با استفاده از این امکان طرحی کارآمد ارائه دهند که مانع از بروز توقّف گردد، اهمیت «مدیریت استراتژیک» آشکار می‌شود.

۱. دیوان کشور فرانسه املاک و مستغلات فروخته‌نشده را جزو دارایی در دسترس شخص نمی‌داند. [cass.com] ۲۷ فوریه ۲۰۰۷.

2. Alert procedures.

ب) نماینده موقت

در این آیین رئیس دادگاه تنها در صورت درخواست بدهکار می‌تواند یک «نماینده موقت»^۱ تعیین کند. بدهکار می‌تواند نام نماینده موقت پیشنهادی خود را به دادگاه ارائه دهد، اما به هر حال حدود اختیارات و وظایف نماینده را دادگاه با توجه به شرایط بدهکار تعیین می‌کند.^۲ دادگاه صالح در مورد تجار، دادگاه تجاری و در سایر موارد دیوان کشور است.^۳ لازم به تأکید است که این روش انعطاف‌پذیر و پیشگیرانه تنها برای اشخاصی امکان‌پذیر است که در مرحله توقف درجه سه بوده و هنوز به «ناتوانی در پرداخت» نرسیده‌اند. نماینده موقت در واقع می‌تواند نقش یک «میانجی یا توافق‌کننده»^۴ را ایفا کند تا بدون آن که پای‌بند قواعد و تشریفات سازش و توافق باشد، به نتیجه آن که دفع توقف و رفع مشکلات مالی است نائل آید.^۵

پ) رویه تنظیم توافق^۶

این رویه که یک‌بار در قانون سال ۱۹۸۴ برای استفاده عموم و تحت نظارت دادگاه معرفی شده بود، در قانون سال ۱۹۸۸ به‌طور خاص «بخش کشاورزی» را مورد توجه قرار داد و به کلیه کشاورزان که با مشکلات مالی مواجه می‌شوند این امکان را داد که با مراجعه به دیوان کشور درخواست اجرای این رویه را بنمایند. جالب است که حتی پس از تصویب قانون سال ۲۰۰۵ هم کشاورزان همچنان از این آیین استفاده می‌کنند. از ویژگی‌های آیین مزبور این است که طلبکاران هم می‌توانند تقاضای اجرای آن را در دادگاه مطرح نمایند. در عمل کارشناسان کشاورزی به عنوان «میانجی» معرفی می‌شوند و نه مقام قضائی.

1. Mandate ad hoc.

2. Pérochon, Françoise, "Entreprises en difficulté", 10 édition, LGDJ, 2014, P. 66.

۳. ماده 3-611 L. قانون تجارت فرانسه که با دستور شماره 1345-2008 در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸ اصلاح شده است.

4. Conciliator.

5. Bernstein Donald, "The Insolvency Review", 8th ed, 2020 Law Business Review Research Ltd, P. 103.

۶. Réglement amiable.

ت) سازش و توافق^۱

این آیین روش حل اختلاف دیگری تحت نظارت یک «توافق کننده»^۲ است که توسط دادگاه تعیین می‌شود. در این شیوه که تنها با درخواست بدهکار و موافقت دادگاه آغاز می‌شود، توافق کنندهٔ منتخب تلاش می‌نماید تا با طلبکاران به توافقی دست یابد که براساس آن پرداخت با تأخیر، کاهش مبالغ و یا تقسیط صورت پذیرد. امکان استفاده از این روش نه تنها پیش از توقّف بلکه پس از آن هم چنانچه بیش از ۴۵ روز از «وضعیت عدم پرداخت» نگذشته باشد وجود دارد. پس از رسیدن به توافق، قراردادی با طلبکاران تنظیم می‌شود که عادی و محرمانه است و چنانچه بدهکار بخواهد آن را به تأیید دادگاه برساند، علنی می‌شود و همگان از آن مطلع می‌گردند. به‌هرحال این روش جهت پیشگیری از مشکلات مالی قریب‌الوقوع می‌تواند بسیار مؤثر باشد.^۳

ث) دادرسی حفاظت‌شده^۴

قانون تجارت اصلاحی ۲۶ جولای ۲۰۰۵ فرانسه رویکرد جدیدی را نوید داد و تازه‌ترین اصل آن معرفی «دادرسی حفاظت‌شده» بود که ضمن الهام گرفتن از فصل ۱۱ قانون تجارت متحده‌الشکل آمریکا ویژگی‌های فرانسوی و خاص خود را هم داشت.^۵ در این آیین برای بدهکاری که هنوز در وضعیت «عدم پرداخت» قرار نگرفته است، این امکان وجود دارد که از دادگاه بخواهد در پناه این آیین کلیهٔ مطالبات را برای «دورهٔ مشاهده»^۶ معلق گرداند. «طول دورهٔ مشاهده»^۷ بستگی به پیچیدگی مشکلات بنگاه داشته و از سوی دادگاه تعیین می‌گردد.^۸ معیارهای لازم برای شروع دادرسی حفاظت‌شده، بدین صورت در مادهٔ L.620-1 قانون

1. Conciliation.

2. Conciliator.

3. Bork Reinhard, "Corporate Insolvency Law", Intersentia Ltd, ISBN978-1-78068-983-8, D/2020/7849/93, NUR 820, P. 172.

4. Procédure de sauvegarde.

5. Pérochon, Françoise, Op.cit, P. 257.

6. Observation Period

در این دوره که با حکم دادگاه آغاز می‌گردد و مدت آن هم در حکم مشخص می‌شود، کلیه اعمال بدهکار مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً این دوران به بازسازی یا دادرسی حفاظت‌شده و یا تصفیه ختم می‌گردد.

7. L.621-3.

8. Cornu, Gérard, "Vocabulaire Juridique", 11e édition, Paris: Press Universitaires de France, 2016, P. 945.

تجارت تصریح شده بود: «به این وسیله یک روش برای حفاظت ایجاد می‌شود که در صورت تقاضا برای بدهکاری که در ماده 2-620 L ذکر شده و بدون اینکه در وضعیت ناتوانی در پرداخت باشد، بتواند نشان دهد که با مشکلاتی روبه‌روست و در شرایطی نیست که بتواند آنها را پشت سر بگذارد قابل اجراست.»^۱ لازم به ذکر است که قانونگذار فرانسوی در آخرین اقدام خود در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱ طی فرمان^۲ شماره 1218-2021 طرح دعوی یا ادعای «دادرسی حفاظت‌شده» را توسط کلیه بستانکاران اعم از شخص حقیقی یا حقوقی قابل استماع می‌داند.

این شیوه نگارش کلمات که از دستور شماره 1345-2008 مورخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸ گرفته شده به طور قابل توجهی گستره کاربرد دادرسی حفاظت‌شده را افزایش می‌دهد. با توجه به نقش‌های مختلفی که تأسیسات و نهادهای موجود در آیین دادرسی حفاظت‌شده دارند، قانون تجارت به دادگاه اختیار می‌دهد که در هر زمان به تشخیص خود یا درخواست یکی از این نهادها (مدیر، کنترل‌کننده، نماینده طلبکاران یا حتی خود بدهکار)، دستور خاتمه بخشی از فعالیت بنگاه و تبدیل آیین دادرسی حفاظت‌شده به بازسازی یا تصفیه را صادر کند.^۳

همانگونه که ملاحظه گردید روش‌ها و آیین‌های گوناگونی در کشور فرانسه وجود دارد که بدهکار متوقف درجه سه می‌تواند به خوبی از آنها بهره‌مند گردد تا مشکلات مالی خود را حل نموده و توقف احتمالی را پیش از فرا رسیدن آن دفع کند.

۱-۲. حقوق ایران

در حقوق کشورمان برای بنگاه‌هایی که مشکلات مالی را در ابعاد مختلفی تجربه می‌کنند، لکن هنوز به نقطه توقف نرسیده‌اند مقررات پراکنده‌ای به چشم می‌خورد که ذیلاً بررسی می‌گردد:

1. Bernstein Donald, Op.cit, P. 104.

۲. لازم به توضیح است که در نظام حقوقی کشور فرانسه، فرامین یا دستورات توسط ریاست جمهوری صادر و عنداللزوم توسط مجلس تصویب می‌شود.

3. L.622-10.

۱-۲-۱. حقوق موضوعه

اولین مقررهای که در این مورد می‌توان به آن اشاره کرد «حکم وزارتی راجع به طرز رسیدگی به دعاوی راجعه به اعسار تجاری» مورخه ۳ جدی (دی ماه) سال ۱۳۳۶ ه. ق. به شماره ۸۲۰۸ می‌باشد که در اجرای نظام‌نامهٔ پنجاه و پنج ماده‌ای مصوب هیئت وزرای عظام به تاریخ ۴ رجب ۱۳۳۴ ه. ق. راجع به اعسار و ورشکستگی به تصویب رسید. براساس ماده ۱۴ این مقرر: «تجّار نمی‌توانند به غیرترتیب مذکور فوق (منظور اعلام ورشکستگی طبق ماده ۲ است) ادعای افلاسی نمایند، مگر اینکه در امر تجارتي خود نکسی مشاهده کرده و به عنوان اعسار، از محکمه تجارت استدعا نمایند که طلبکاران آنها را احضار و قراری در اخذ مهلت و یا تقسیط قروض مدعی اعسار بدهند.» با توجه به این مقرر می‌توان دریافت که در آن زمان دو آیین متفاوت برای رسیدگی به امور ورشکستگی وجود داشته که یکی «ورشکستگی تجاری» برای تجّار متوقّف بوده و دیگری «اعسار تجاری» برای تجّاری که هنوز به توقّف نرسیده‌اند، ولی با مشکلات مالی مواجه گردیده‌اند. این گروه دوم می‌توانستند در دادگاه تجاری وضعیت خود را اعلام کرده و با وساطت دادگاه ضمن حفظ مالکیت بر اموال خویش با طلبکاران توافق نموده و از آنان مهلتی جهت تأدیّه دیون اخذ نمایند و یا قراری جهت پرداخت به اقساط بگذارند. این توافق نوعی قرارداد ارفاقی پیشگیرانه بود که به بدهکار کمک می‌کرد ضمن اصلاح وضعیت مالی و پشت سر گذاشتن بحران به چرخهٔ اقتصادی فعال بازگردد. این امکان نافرجام ماند و به موجب قوانین بعدی نسخ گردید، بدون اینکه هیچگونه جایگزینی برای آن در نظر گرفته شود.

«هیئت حمایت صنایع» در قانون «حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌های کشور» مصوب خرداد ۱۳۴۳ پیش‌بینی شده است. بر اساس مادهٔ یک این قانون، هیئت حمایت از نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت صنایع، اتاق صنایع و معادن، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یک نفر کارشناس در امور صنعتی یا اقتصادی به انتخاب وزارتین صنایع و کار و امور اجتماعی تشکیل شده و واجد شخصیت حقوقی است. براساس مادهٔ دو این قانون، هیئت مجاز است شخص یا اشخاص حقیقی و یا حقوقی را به‌عنوان مدیر کارخانه تعیین نماید. مدیران در دوران ادارهٔ موقت کارخانه امین محسوب شده و دارای اختیاراتی که از طرف هیئت اعطا می‌گردد خواهند بود.

این مرجع دارای کارشناس بوده و می‌تواند در مورد تعطیلی کارخانه تصمیم بگیرد، اما در صورتی که «اداره کارخانه» مدنظر باشد، هیئت وفق ماده ۷، مجاز به تقاضای اعتبار از وزارت خانه‌های مربوطه خواهد بود که این امر منتهی به واگذاری وام و ماشین‌آلات به نام هیئت می‌گردد. براساس ماده ۸ این قانون و ماده ۲۴ آیین‌نامه، هیئت باید ظرف ۶ ماه گزارشی جامع راجع به «اقتصادی یا غیراقتصادی بودن» ادامه فعالیت کارخانه ارائه نماید. سرانجام احتمال دارد که هیئت به حل مشکلات واحد تولیدی نائل آید. در این صورت، صاحبان کارخانه می‌توانند پس از پرداخت مخارج، آن را تحویل بگیرند. در اینجا ملاحظه می‌گردد علی‌رغم آنکه تعطیلی کارخانه اعم از توقف بوده و می‌تواند موارد دیگری را نیز دربرگیرد، اما از این قانون می‌توان به‌طور خاص در برخورد با تعطیلی ناشی از توقف نیز سود برد. عملکرد هیئت در مواردی که مکلف به اعطای کمک به کارخانه‌ها با هدف خارج نمودن آنها از حالت تعطیلی است، به‌طور غیرمستقیم به پیشگیری از بروز حالت توقف نسبت به مالکین آنها کمک می‌کند.^۱

مورد دوم «لایحه قانونی تصفیه فوری امور بازرگانان متوقف» (مذکور در گزارش شماره ۴/۸۲ به تاریخ ۱۳۴۶/۴/۱۳ کمیسیون دادگستری به مجلس شورای ملی وقت پس از انجام اصلاحات مجلس سنای سابق) است که در مجلس شورای ملی مسکوت ماند و به بوثه فراموشی سپرده شد.

براساس ماده اول این لایحه «هر بازرگان یا شرکت بازرگانی مشمول ماده ۴۱۲ قانون تجارت که بتواند ظرف دو سال سه چهارم یا ظرف یک سال نصف قروض خود را پردازد، مجاز است قبل از تقدیم دادخواست توقف، تصفیه فوری امور خویش را از دادگاه شهرستان محل اقامت خود درخواست کند.» قید عبارت «قبل از تقدیم دادخواست توقف» بیانگر این امر است که تجار می‌توانستند به محض برخورد با مشکلات مالی جدی در جهت دفع توقف و رفع بحران حاصل از طریق حصول توافق با طلبکاران از دادگاه درخواست تصفیه فوری نمایند.

در قوانین تجاری سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۱۱ و همچنین قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی سال ۱۳۱۸، کوچک‌ترین توجهی به این بخش از مشکلات مالی مشاهده نشده و تمامی

۱. کاویانی، کوروش، «حقوق ورشکستگی»، چاپ سوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳)، ص ۵۹.

مقررات مربوط به دوران توقّف و ورشکستگی است. از سوی دیگر قوانین مربوط به اعسار سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۳ نیز صراحتاً تاجر را از طرح ادعای اعسار ممنوع نمودند.

مورد بعدی «کمیسیون بحران» است که هیئت وزیران وقت در جلسه مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۹ خود به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین تصویب نمودند: «به منظور بررسی اثرات رکود جهانی و شناسایی علل و عوامل مشکلات کنونی داخلی بر صنایع تولیدی کشور برای ارائهٔ راه‌حل‌ها و پیشنهادهای عملی جهت پیشگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی کمیسیونی مرکب از وزرای کار و امور اجتماعی کشور، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و رئیس کل بانک مرکزی با مسئولیت وزیر صنایع تشکیل می‌شود.» تصمیمات این کمیسیون با موافقت اکثریت اعضای کمیسیون و با استناد به اصل ۱۳۸ مذکور عنوان «مصوبه دولت» را خواهد داشت و می‌باید در وهلهٔ نخست متضمّن ارائهٔ راه‌حل‌های مربوط به پیشگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی باشد. به نظر می‌رسد منظور از «پیشگیری از تعطیلی» واحدهای تولیدی اعم از پیشگیری از توقّف باشد، لکن این کمیسیون نیز جهت حل بحران‌های مالی پیش از توقّف کاربرد دارد.

همچنین «کارگروه حمایت از تولید» که بنا بر تصمیم هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵ به پیشنهاد رئیس‌جمهور و به استناد اصول ۱۲۷^۲ و ۱۳۸ ق.ا. تشکیل شده است، دارای وظایف کمیسیون بحران و کمیسیون منتخب دولت را به صورت یک‌جا است و صلاحیت عام دارد. مصوبات کارگروه باید جهت اطمینان از مطابقت با قوانین، قبل از ابلاغ برای اجرا به آگاهی رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. هدف مصوبه مذکور نیز همانند قانون حمایت صنعتی بررسی و تصمیم‌گیری برای موانع و مشکلات فراروی تولید و ایجاد انگیزه، امید و حرکت افزون‌تر در بنیان‌گذاران فعالیت‌های اقتصادی و همچنین رسیدگی به وضعیت واحدهای مشکل‌دار در بخش‌های گوناگون صنعتی، کشاورزی، گردشگری و

۱. بر اساس اصل ۱۳۸ ق.ا.، «...دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدودهٔ قوانین پس از تأیید رئیس‌جمهور لازم‌الاجراست.»
۲. بر اساس اصل ۱۲۷ ق.ا.، «رئیس‌جمهور می‌تواند در موارد خاص برحسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس‌جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.»

صنایع دستی کشور و اتخاذ تصمیمات مناسب برای پیشگیری از تعطیلی واحدهای یادشده با استفاده از تمامی ظرفیت‌های قانونی است.^۱

«ستاد تسهیل امور و پشتیبانی امور تولیدی و شهرک‌های صنعتی» هم که به استناد اصل ۱۲۷ ق.ا. در مورخه ۱۳۸۹/۲/۵ تشکیل گردید، ظاهراً تنها در خصوص امور اجرایی صلاحیت ورود دارد و صدور تصویب‌نامه و آیین‌نامه موضوع اصل ۱۳۸ ق.ا.، خارج از حیطه اختیارات این ستاد می‌باشد، اما در عمل مرز میان اصول ۱۲۷ و ۱۳۸ را نادیده می‌انگارد و با دعوت از نمایندگان سازمان یا ارگان مرتبط در جلسات تصمیم‌گیری به صدور مصوبات می‌پردازد. هدف از تشکیل این ستاد، حل سریع‌تر مشکلات اجرایی واحدهای تولیدی، صنعتی، معدنی و شهرک‌های صنعتی بوده و لذا جهت ایجاد گشایش در مشکلات بنگاه‌های متوقف احتمالی یا درجه سه نیز مفید واقع می‌شود.

البته نهادهای مذکور در موارد پیشین غیرقضائی هستند و از آنجاکه به‌طور موازی به مداخله در امور می‌پردازند، در عمل مشکلات تداخل را به همراه خود می‌آورند و همین امر لزوم قانون‌گذاری در این زمینه را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد. از سوی دیگر از آنجاکه اصل پیشگیری^۲ هم جهت با عدالت و مصالح اجتماعی است، اقتضا می‌نماید که با ظهور اولین نشانه‌های بحران مالی محتاطانه عمل کرده و وضعیت بنگاه بررسی شود تا در صورت امکان از بروز توقف ممانعت به‌عمل آمده و تاجر را به چرخه اقتصادی فعال بازگرداند، لذا دست‌اندرکاران ما نیز با هدف جبران نقایص موارد پیش‌گفته در خصوص ورشکستگی و از جمله غفلت نسبت به مشکلات مالی بنگاه‌ها، پیش از بروز توقف درصدد تدوین قانونی جامع در این خصوص برآمدند. لایحه پیشنهادی به کمیسیون اقتصادی در سال ۱۳۸۴ که بلا تکلیف باقی ماند و جای خود را به لایحه ارسالی به کمیسیون قضائی و حقوقی در سال ۱۳۹۱ داد، از جمله این اقدامات است. از آنجاکه لایحه سال ۱۳۸۴ در حال حاضر موضوعیت نداشته و تنها لایحه سال ۱۳۹۱ در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد، به بررسی آن می‌پردازیم.

پیش از بررسی مواد مرتبط با دوران توقف احتمالی یا درجه سه لازم به توضیح است که این لایحه اشخاص حقیقی و حقوقی را مخاطب قرار می‌دهد، اما سرنوشت بنگاه را به خوبی

۱. ماده اول تصویب‌نامه هیئت‌وزیران مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵.

از تقدیر مالک یا مدیر آن جدا می‌سازد. ممکن است بنگاه تغییر فعالیت دهد، بزرگ یا کوچک شود، ادغام گردد، تغییر مدیر دهد یا ساختارش متحوّل شود. در واقع تغییر و تحوّل در ابعاد متفاوتی با هدف اصلاح وضعیت نابه‌سامان آن پیش‌بینی شده است و در همین حال رفتار شخص بنگاهدار ممکن است از جهت ارتکاب جرم یا تقصیر مورد بررسی و تصمیم‌گیری واقع شود.

در کتاب چهارم این لایحه که «ورشکستگی و قرارداد پیشگیرانه» نام داشته و از ماده ۸۸۳ آغاز می‌گردد، آیین‌های متفاوت رسیدگی را توضیح می‌دهد که خصوصاً قرارداد ارفاقی پیشگیرانه، آیین اختصاصی دوران توقّف درجهٔ سه محسوب می‌شود. براساس ماده ۸۸۳: «حکم ورشکستگی تاجر در صورت توقّف وی از تأدیّه و جوهی که برعهدهٔ اوست صادر می‌شود، مگر اینکه مطابق این قانون کفایت اموال وی نسبت به دیون او احراز شود یا علی‌رغم عدم احراز کفایت اموال نسبت به دیون تاجر قرارداد ارفاقی پیشگیرانه منعقد گردد...». این ماده به صراحت بیان می‌کند که چنانچه بنگاهی مشکلات مالی داشته ولی هنوز به توقّف نرسیده و اموالش کفایت دیونش را می‌نماید، می‌تواند تقاضای قرارداد ارفاقی پیشگیرانه نموده و با اجرای آن بحران موجود را پشت سر گذارد.

به‌هرحال بر اساس لایحهٔ سال ۱۳۹۱ تاجر حسب مندرجات مواد ۸۹۰ و ۸۹۱ مهلت یک‌ماهه دارد تا ضمن اعلام وقفه، مدارک دارایی و دیون خویش را به دادگاه تقدیم نماید. البته که طبق ماده ۸۸۶، هیچ اثری بر صرف توقّف از تأدیّه دیون مترتب نیست، اما به‌هرحال انجام تکلیف مندرج در مواد ۸۹۰ و ۸۹۱ و یا عدم انجام آن منشأ آثار بسیاری در این لایحه محسوب می‌شود.

اولین اثر قانونی انجام تکلیف مواد پیش‌گفته، عدم انتصاب امین بوده و براساس ماده ۹۰۰، خود تاجر تکالیف و مسئولیت‌های امین را بر عهده می‌گیرد که این امکان در جهت حفظ اعتبار بنگاه‌هایی که خواستار انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه به‌منظور پشت سر گذاشتن مشکلات هستند، بسیار مفید است. کلیهٔ اقدامات احتیاطی مندرج در مواد ۹۳۱-۹۰۳ و نصب امین و ناظر و بحث تکالیف و مسئولیت‌های آنها نیز که در مواد ۹۳۲ الی ۹۶۶ بیان گردیده، همچنین موضوع اداره‌کنندگان امور متوقّف و عملیات تشخیص مطالبات توسط امین موضوع مواد ۹۳۲ الی ۱۰۰۶ در خصوص تاجری که به تکالیف مندرج در مواد ۸۹۰ و ۸۹۱ عمل کرده است منتفی است و چنانچه در هر یک از این مراحل عملی لازم باشد، توسط تاجر

اقدام می‌شود. پس از آنکه دیون و دارایی تشخیص گردید و حسب مقررات مواد ۱۰۰۷ الی ۱۰۳۰ جلسه دادگاه جهت تصمیم‌گیری به کفایت یا عدم کفایت دارایی از دیون و همچنین قبول یا رد امکان انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه برگزار شد، در صورت حصول نتیجه به امکان انعقاد قرارداد پیش‌گفته حسب مواد ۱۰۳۳ الی ۱۰۴۴ عمل می‌شود. با توجه به ارتباط مستقیم این مواد با موضوع بحث ما در اینجا به بررسی اجمالی ماده به ماده می‌پردازیم.

حسب ماده ۱۰۳۱ هر تاجر متوقف می‌تواند ضمن تقاضای رسیدگی به ورشکستگی یا حداکثر ظرف ۲۰ روز پس از آن درخواست انعقاد قرارداد ارفاقی پیشگیرانه را به دادگاه ارائه نماید. به موجب ماده ۱۰۳۲ متقاضی انعقاد قرارداد باید پیش‌نویس قرارداد ارفاقی را به انضمام مدارک دیگر مندرج در این ماده، ضمیمه درخواست خود نماید. پیش‌نویس قرارداد ارفاقی پیشگیرانه باید حاوی اطلاعات کامل نه‌گانه مندرج در ماده ۱۰۳۳ باشد و در خصوص حقوق متعلقه کارکنان اخراجی طبق ماده ۱۰۳۴ تعیین تکلیف شده باشد. در شرایط خاص موضوع ماده ۱۰۳۵ قرارداد ارفاقی قابل طرح نیست. چنانچه مقررات مواد قبل رعایت شده باشد، بر اساس ماده ۱۰۳۶ باید مجمع با نصاب‌های مندرج در مواد ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ تشکیل و نسبت به قرارداد تصمیم‌گیری نمایند.

به موجب ماده ۱۰۳۷ هرگونه اصلاح و تغییر قرارداد در حین اجرا تنها به پیشنهاد تاجر و موافقت کلیه بستانکاران و تصدیق دادگاه امکان‌پذیر است، همچنین در خصوص ورشکستگی به تقلب و تقصیر نیز مواد ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ مقرراتی همانند قانون تجارت ارائه می‌نماید. به موجب ماده ۱۰۴۰ می‌توان شکایت از قرارداد را ظرف مهلت یک هفته پس از جلسه مجمع در دادگاه مطرح نمود و براساس ماده ۱۰۴۱ دادگاه نمی‌تواند پیش از سپری شدن مهلت اعتراضات و رسیدگی به آنها در خصوص قرارداد تصمیم بگیرد. پیش از تصمیم‌گیری، دادگاه گزارش متضمن کیفیت امور متوقف و امکان قبول یا رد قرارداد را طبق ماده ۱۰۴۲ بررسی کرده و چنانچه به هر دلیل قرارداد فاقد شرایط لازم باشد، طبق ماده ۱۰۴۳ آن را رد می‌کند. در صورت قبول، قرارداد به موجب ماده ۱۰۴۴ منتشر می‌گردد.

همانگونه که توضیح داده شد، چنانچه این لایحه مراحل تصویب را پشت سر بگذارد، می‌توان امیدوار بود که بنگاه‌های مشمول توقف احتمالی یا درجه سه به خوبی از راهکارهای مندرج در آن استفاده نموده و چنانچه امکان فائق آمدن بر مشکلات وجود داشته باشد، بحران‌ها را پشت سر گذاشته و توقف را دفع نمایند.

۲. توقف قطعی یا درجه دو

چنانچه بحران‌های مالی شدید بوده و بنگاه به نقطه توقف برسد، متوقف قطعی محسوب می‌گردد. برای متوقف درجه دو یا قطعی روش‌های «احیا و نجات» در دو کشور ایران و فرانسه بررسی می‌شود.

۱-۲. حقوق فرانسه

در کشور فرانسه مقوله توقف از سال‌ها پیش مورد توجه حقوق‌دانان قرار گرفته است. بررسی سابقه قانون‌گذاری در این کشور، بیانگر این امر است که قانون‌گذار این کشور بارها تغییر موضع داده و با دیدگاهی که در شرایط خاص زمانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته رویکردهای متفاوتی به امر ورشکستگی نشان داده است و در این راستا نجات و احیای بنگاهی که توقف قطعی یا درجه دو داشته نیز به شیوه‌های گوناگون مورد توجه قانون‌گذار این کشور قرار گرفته و در نتیجه مقررات متفاوتی نیز در این زمینه وجود دارد که به اختصار توضیح داده می‌شود.

اولین قانون‌گذاری در این زمینه به «قرارداد ارفاقی» سال ۱۸۰۷ باز می‌گردد. البته با توجه به قواعد سختگیرانه این قانون نسبت به بدهکار و اینکه به سهولت به ورشکستگی به تقلب و تقصیر محکوم گردیده و مجازات می‌شد و حتی کار اجباری تا ۲۰ سال برای وی پیش‌بینی شده بود، به ندرت چنین قراردادی منعقد می‌گردید. به موجب این قانون حتی بدون محکومیت کیفری هم تاجر از حقوق مدنی و اجتماعی محروم شده و اعاده اعتبار وی نیز تنها منوط به پرداخت کامل مطالبات طلبکاران بود.

قانون سال ۱۸۵۶ صدور حکم «حل و فصل قضائی» را برای تاجری که در مهلت قانونی مقرر، توقف خویش را اعلام می‌نمود پیش‌بینی کرد. متعاقب صدور این حکم، تاجر می‌توانست چنانچه خود را قادر به احیای بنگاه خویش بداند، سعی در متقاعد کردن طلبکاران نموده و قرارداد ارفاقی با آنان منعقد نماید. در این صورت بنگاه به فعالیت خویش ادامه داده و مدیر تصفیه بر این عملیات نظارت می‌نمود.

1. Ripert George et Roblot René/ " *Droit Commercial* " / 9th éd / L.G.D.J./ 1981/ n° 2796; Rodiere René et Oppetit Bruno/" *Droit Commercial* " / 8th éd/ Dalloz/ 1978/ n° 251.

در قانون سال ۱۸۸۹ با ایجاد تحول در دیدگاه قانون‌گذار تغییر اهداف و راهکارهای ارائه‌شده نیز مشاهده می‌شود. در این قانون با هدف حمایت از بدهکاری که با حسن‌نیت مشغول عمل تجاری بوده، لکن به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی در گرداب مشکلات مالی دچار شده «آیین تصفیة قضائی» ارائه گردید. بر این اساس اختیار اداره و سرپرستی اموال از تاجر سلب نمی‌شد و نامبرده می‌توانست با نظارت نماینده دادگاه یعنی مدیرتصفیه به تجارت خویش ادامه دهد. در این حالت مدیر تصفیة به جای فروش اموال و تأدیة دیون، به نظارت و مشارکت در امور بنگاه می‌پرداخت و تاجر در ارتباط با مشتریان خود باقی می‌ماند که این امر موجبات تسهیل نجات بنگاه را فراهم می‌آورد.^۱

قانون سال ۱۹۵۵ هم علی‌رغم تشدید مجازات بدهکاران همچنان آیین «حل و فصل قضائی» را پیش‌بینی کرد تا تاجر متوقف با حسن‌نیت، بتواند با انعقاد قرارداد ارفاقی به زندگی تجاری خویش بازگردد.^۲ البته با توجه به اینکه آیین‌های پیشنهادی این قانون معمولاً دیر هنگام آغاز می‌شد، به ندرت سبب نجات بنگاه‌ها شده و عموماً با شکست مواجه می‌گردید. ضمناً با توجه به «طلبکار محور بودن» این قانون حتی زمانی که قرارداد ارفاقی به حکم دادگاه منعقد می‌شد، همچنان اخذ تصمیم در زمره حقوق طلبکاران بوده و نامبردگان می‌توانستند با استفاده از «حق وتوی» خود توافق را غیرممکن کرده و بدهکار را به ورشکستگی بکشانند. قانون سال ۱۹۶۷ تحول بنیادینی را در نگاه قانون‌گذار نشان می‌دهد. پس از افراط و تفریط‌های قوانین قبلی تمرکز قانون بر هدف نجات و احیای بنگاه اقتصادی قرار گرفت. در راستای این هدف بود که سرنوشت شخص از تقدیر بنگاه تفکیک شد؛^۳ یعنی ضمن اینکه بدهکار از حیث احراز وقوع جرم مورد بررسی دقیق قرار می‌گرفت، فعالیت بنگاه اقتصادی به صورت مجزاً مشمول مقررات و بررسی‌های اقتصادی واقع می‌شد. «آیین مصالحه قضائی» پیشنهادی این قانون بیشتر مربوط به تسویه دیون مربوط به یک بنگاه قابل احیاء در بعد اقتصادی است؛ یعنی مدیر یک بنگاه متوقف می‌توانست با انعقاد قرارداد ارفاقی فعالیت خود را باز یابد. این آیین یادآور آیین‌های حل و فصل یا تصفیة قضائی حاکم در سال‌های ۱۸۸۹-۱۹۵۵ است.

1. Guyon Yves, " Entreprises en difficulté Encyclopédie commercial" / Dalloz/1996/ n° 10.

۲. انوری پور، سید محسن، «ورشکستگی در حقوق ایران»، (قم: چاپ خانه حکمت، ۱۳۵۳)، ص ۲۴.

3. La distinction de l'home et l'entreprise.

همچنین به موجب نظام‌نامه مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۶۷ «آیین تعلیق موقت تعقیبات» مقرر گردید. به موجب این نظام‌نامه کلیه تعقیبات طلبکاران علیه بنگاه‌های اقتصادی که حذف آنها به اقتصاد ملی یا محلی لطمه وارد می‌ساخت، معلق می‌شد. در ماده یک این نظام‌نامه آمده بود که حفظ و احیای بنگاه نباید با منافع بستانکاران در تعارض و تضاد باشد ولی در عین حال اجرای آیین نیازمند موافقت بستانکاران نبود. بر این اساس دادگاه مهلتی را برای بررسی و مطالعه وضعیت بنگاه در نظر می‌گرفت و در این دوره، گذشت‌های مالی مانند ابراء یا تقسیط مطالبات و حذف خسارت تأخیر تأدیه به طلبکاران تحمیل می‌شد.

قانون سال ۱۹۸۵ نیز با هدف حفظ و نجات بنگاه‌های اقتصادی مقرراتی را به تصویب رساند تا بر اساس آن، مراحل مختلف بحران‌های مالی را مدیریت نماید.^۱ طرح قانونی مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ «گشایش در امور» و سپس «تصفیه اموال» بنگاه‌های اقتصادی را تصویب کرد.^۲ این طرح از کارشناس تشخیص وضعیت بنگاه اقتصادی و نماینده تصفیه اموال^۳ سخن می‌گوید و با معرفی نقش «مدیران بازسازی یا اداره‌کنندگان قضائی»^۴ عملاً مدیر تصفیه و عضو ناظر مطروحه در قانون ۱۹۶۷ را به دست فراموشی می‌سپارد. همچنین در این قانون یک قاضی رسمی به دو قاضی منتخب تجار در دادگاه تجاری افزوده شد.

متعاقباً دو آیین نامه در تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۸۵ به تصویب رسید. بر اساس این آیین‌نامه‌ها یک دوره مراقبت در نظر گرفته شد که طی آن وضعیت اقتصادی بنگاه بررسی شده و بر اساس شدت بحران بنگاه و متناسب با آن آیین مناسب به اجرا درآید. این آیین که به «گشایش قضائی» موسوم است، جایگزین سه آیین «مصالحه قضائی»، «تصفیه اموال» و «تعلیق موقت تعقیبات» مندرج در قانون ۱۹۶۷ گردید.

اهداف این قانون براساس صراحت ماده یک چنین است: ۱- حفظ بنگاه اقتصادی و حمایت از آن در مقابل بحران؛ ۲- حفظ اشتغال؛ ۳- پرداخت مطالبات بستانکاران. لذا جهت دستیابی به اهداف سه‌گانه فوق، با توجه به اهمیت بنگاه دو آیین مختلف پیش‌بینی شده است: ۱- آیین ساده در خصوص بنگاه‌هایی اجرا می‌شود که حداکثر ۵۰

۱. صقری، محمد، «حقوق بازرگانی، ورشکستگی»، جلد اول، چاپ سوم (تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶)، ص ۳۲۱.

2. Redressment et liquidateure et judiciaire des entreprises.
3. Mandataire-liquidateure et expert en diagnostic des entreprises.
4. Administrateur.

کارگر داشته و درآمد سالیانه آنها پس از کسر مالیات کمتر از ۲۰ میلیون فرانک است؛^۲ آیین اصلی برای بنگاه‌های اقتصادی بزرگ‌تر پیش‌بینی شده است.

هر آیین با یک مهلت مشاهده آغاز می‌شود. در این مدت ضمن ادامه فعالیت بنگاه و اشتغال کلیه کارکنان، مدیر بازسازی به مطالعه و بررسی وضعیت بنگاه پرداخته و طرحی تهیه می‌نماید که بر اساس آن راه‌حل مناسب شدت بحران بنگاه ارائه می‌شود. در همین مهلت نماینده بستانکاران وضعیت طلب‌ها را بررسی نموده و نماینده شاغلان نیز مطالبات ناشی از اشتغال را اعلام می‌نماید. در این مهلت بدهکار هم می‌تواند طرح پیشنهادی خود برای احیای بنگاه را به مدیر بازسازی ارائه دهد. همچنین اشخاص ثالث می‌توانند طرح واگذاری بنگاه و یا مشارکت در طرح ادامه فعالیت را پیشنهاد دهند. نهایتاً دادگاه راهکار مناسب را انتخاب می‌کند. ادامه فعالیت بنگاه واگذاری جزئی یا کلی آن ابراء یا تقسیط بخش‌هایی از طلب بستانکاران و یا حتی تصمیم به تصفیه با دادگاه است و با حذف قرارداد ارفاقی، بستانکاران نقش فعالی در انتخاب مسیر و آیین ندارند.

در این قانون دیان به صورت گروهی در نظر گرفته می‌شوند و نامبردگان می‌توانند دعاوی ابطال و فسخ عملیات دوران توقف و یا پیش از آن را مطرح نمایند، اما از آنجا که هدف اولیه قانون‌گذار حفظ و احیای بنگاه است و نه پرداخت مطالبات بستانکاران؛ لذا وجوه حاصل از این دعاوی به بستانکاران اختصاص نیافته و بخشی از اموال بنگاه محسوب گردیده و در جهت نجات و احیای وضعیت بنگاه مصرف می‌شود. در واقع با این قانون دعوی ورشکستگی از حالت تعقیب جمعی^۱ خارج شده و تنها از این جهت جمعی محسوب می‌شود که کلیه اشخاص درگیر با بنگاه منافع خود را صرفاً در گروهی نجات بنگاه موصوف می‌بینند.^۲ بنابراین در قانون فوق سه راهکار ارائه می‌شود که دو مورد اول آن مربوط به نجات و احیای بنگاه اقتصادی است: ۱- ادامه فعالیت بنگاه با مدیریت سابق؛^۳ ۲- واگذاری کلی یا جزئی بنگاه به متقاضی؛^۴ ۳- تصفیه قضائی اموال بنگاه.^۵

1. Procédure collective.

2. Derrida, Gode, Sortais et Honorat, op" *Redressement et Liquidation Judiciaire des Entreprises, Avec La collaboration*", 3th ed, Dalloz, 1991, n° 632.

3. Continuation de l'entreprise avec le maintien du débiteur.

4. Cession total ou partielle.

5. Liquidation Judiciaire.

قانون سال ۱۹۹۴ تمایز مشخصی را بین دو آیین «بازسازی قضائی» و «تصفیهٔ قضائی» بیان می‌دارد و به‌طور خاص به دادگاه اجازه می‌دهد که مستقیماً و بدون تصویب بازسازی حکم به تصفیهٔ بنگاه بحران‌زده صادر کند،^۱ اما در عمل با توجه به اهمیت بنگاه‌های اقتصادی و ضرورت نجات و احیای آنها قضاات این کشور الویت را به حل مشکلات اقتصادی بنگاه‌ها داده و تنها در صورتی که تمام راهکارهای بازسازی به شکست انجامد و هیچ آیینی در این جهت مؤثر واقع نشود، حکم به تصفیهٔ قضائی می‌دهند.

قانون سال ۲۰۰۵^۲ رویکرد جدیدی را در مقررات ورشکستگی نوید می‌دهد و چهار آیین مختلف را ارائه می‌دهد که دو آیین آن یعنی «مصالحه و سازش»^۳ و «بازسازی قضائی» مناسب بنگاه‌های متوقفی است که احتمال نجات و احیای آنها وجود دارد.

مصالحه یا سازش تنها از سوی بدهکار می‌تواند پیشنهاد شود و طلبکاران این امکان را ندارند. در این آیین پس از درخواست بدهکار و موافقت دادگاه یک میانجی از سوی دادگاه انتخاب می‌شود تا در راستای حصول سازش بین بدهکار و طلبکاران تلاش کند.^۴ این سازش می‌تواند منجر به یک توافق قراردادی در راستای به تأخیر انداختن پرداخت دیون و یا کاهش مبالغ پرداختی و یا تقسیط مطالبات باشد.

بازسازی قضائی^۵ آیینی کلاسیک باهدف بهبود اوضاع اقتصادی بنگاه بحران‌زده است. طی دورهٔ مشاهده، مجموع مطالبات بستانکاران و شاغلان بنگاه جمع‌آوری شده و طرح‌های پیشنهادی حاوی راهکارهای نجات بنگاه از بحران بررسی می‌شود.

اصلاحیه سال ۲۰۰۸ در قانون تجارت که از ۱۵ فوریه ۲۰۰۹ به اجرا درآمد، تغییرات قابل توجهی را در بخش شش قانون تجارت اصلاحی سال ۲۰۰۵ که مربوط به ورشکستگی است، معمول داشته و درصدد است تا با هدف احیای بنگاه‌های اقتصادی بحران‌زده گستره و کارآیی قانون مذکور را به‌ویژه در زمینهٔ بازسازی قضائی افزایش دهد.^۶ اصلاحیهٔ قانون تجارت در سال ۲۰۱۴ نیز به‌طور خاص به بحث بازسازی قضائی پرداخته و با ارائه راهکارهای اجرایی‌تر نقش فعال‌تری نیز به طلبکاران در این خصوص داده است. در این قانون نیز ابتدا

1. Tetley Andrew, Smith Reed, Beyle Marcel, Op.cit , P. 199.

2. Ibid.

3. Conciliation.

4. Pérochon, Françoise, Op ... cit, PP. 64 et 456.

5. Redressement Judiciaire.

6. Jacquemont, André et Régis Vabres, Op.cit, PP. 435-436.

بحث مصالحه و سازش مطرح می‌شود که تحت نظارت نماینده دادگاه انجام می‌شود و روش‌های دیگر حصول توافق خارج از دادگاه و پیش از رسیدگی قضائی را نیز مطرح می‌سازد. همچنین نماینده موقت^۱ نیز در این قانون اختیارات وسیع‌تری یافته است. از آنجا که آیین بازسازی قضائی با دوره مشاهده و بررسی آغاز می‌شود، بنگاه‌ها معمولاً علاقمند هستند در صورتی که بحران مالی خود را غیرقابل جبران ندانند، طرح بازسازی به دادگاه تجاری ارائه کنند و از شانس اخذ شرایط پرداخت مناسب و در موارد خاص حتی بازپرداخت بدهی هم‌زمان با احیای فعالیت خود استفاده کنند؛ بنابراین از مهلت ۴۵ روزه قانونی برای اعلام توقف و درخواست آیین بازسازی استفاده می‌کنند. البته طلبکاران هم می‌توانند با ارائه اسناد طلب خود به دادگاه درخواست بازسازی را مطرح نمایند. علی‌رغم اینکه اساس درخواست طلبکار در این زمان معقول نمی‌نماید، ولی به‌رحال از سوی دادگاه پذیرفته می‌شود. در عمل چنین درخواست‌هایی اغلب از سوی مقامات مالیاتی یا سازمان‌هایی که متعهد به جمع‌آوری کمک‌های تأمین اجتماعی هستند، ارائه می‌شود. قانون تجارت فرانسه به دادستان عمومی نیز اجازه می‌دهد تا درخواست بازسازی بنگاه را به دادگاه ارائه دهد.^۲ در کشورهای دارای اقتصاد آزاد با توجه به اینکه دادستان عمومی نماینده قوه قضائیه است، ممکن است این مداخله اقتصادی توسط مقامات عمومی عجیب به نظر برسد، اما در فرانسه این تفکر حاکم است که نمی‌توان اقتصاد را بدون هیچگونه مداخله و نظارت توسط مقامات عمومی رها کرد؛ بنابراین یک نقش اقتصادی به دادستان داده شده که به تدریج با اصلاح قانون تجارت پی‌درپی افزایش یافته است.

۲-۲. حقوق ایران

درخصوص این دوران که توقف قطعی گردیده و بدهکار با مشکلات جدی دست به‌گیریان است، راهکارهای زیر را جهت امدادسانی به بنگاه متوقف می‌توان در حقوق کشورمان یافت:

1. Mandataire ad hoc.

2. L.631-5.

۲-۲-۱. قرارداد ارفاقی

موضوع این قرارداد چیزی است که طرفین قرارداد بر آن توافق می‌کنند، اما قانون تجارت و قانون ادارهٔ تصفیه راجع به موضوع آن ساکت بوده و لذا در اختیار طرفین قرارداد ارفاقی قرار دارد. منطقاً موضوع اصلی قرارداد ارفاقی زمان‌بندی تأدیه طلب طلبکاران است.^۱ براساس این قرارداد که میان بدهکار و طلبکارانش منعقد می‌گردد، مدیون متوقف متعهد به پرداخت مبالغ معینی در سررسیدهای مشخص به دائنین خویش می‌گردد و در ازای آن مجدداً اختیار امور تجارتي خویش را در دست می‌گیرد. هدف سنتی از این قرارداد، زائل نمودن آثار قانونی توقف و توقیف اموال بدهکار است. همچنین بر اساس این قرارداد به بدهکاری که مرتکب حيله و تقلبی نشده و توقفش ناشی از مسائل دیگر است، اجازه داده می‌شود که در آینده با به کار انداختن سرمایهٔ قبلی خود به عملیات تجارتي بپردازد.^۲ در صورت ادامهٔ فعالیت بدهکار منافع طلبکاران نیز بهتر تأمین می‌شود و نسبت به راه‌حل فروش اموال سهم بهتری از طلب‌های خویش را دریافت می‌نمایند. البته به هر حال طلبکاران مجاز به پیشنهاد قرارداد ارفاقی به بدهکار نیستند.

به موجب مواد ۳۰۱ به بعد قانون تجارت سال ۱۳۰۳ و همچنین مواد ۴۷۶ به بعد قانون تجارت سال ۱۳۱۱ ابعاد ماهوی و شکلی این قرارداد پیش‌بینی شده است. در اینجا اجمالاً مواد قانونی مرتبط در قانون مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ بررسی می‌شود:

در خصوص ترتیب قرارداد ارفاقی براساس ماده ۴۷۶ عضو ناظر با رعایت مقررات از طلبکاران تشخیص یا موقتاً تصدیق‌شده جهت مشاوره در این خصوص دعوت به عمل می‌آورد و پس از حضور نامبردگان در مجمع مزبور طبق ماده ۴۷۷ و استماع گزارش وضعیت ورشکستگی طبق ماده ۴۷۸ صورت جلسه‌ای تنظیم می‌شود.^۳ به موجب ماده ۴۷۹ بدون اجرای مراسم قانونی مواد قبل، قراردادی منعقد نمی‌شود. ماده ۴۸۰ به نصاب یک‌دوم به اضافهٔ یک $(\frac{1}{2} + 1)$ عددی و سه چهارم $(\frac{3}{4})$ مبلغی طلبکاران تصریح نموده و در ماده ۴۸۱ تکلیف جلسات فاقد نصاب قانونی را تعیین می‌نماید. ماده ۴۸۲ شرایط تصمیم‌گیری در جلسهٔ دوم را اعلام

۱. کاویانی، کوروش، پیشین، ص ۶۹.

۲. انوری‌پور، سید محسن، پیشین، ص ۱۳۴.

۳. اسکینی، ربیعا، «حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته»، چاپ سوم (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸)، ص ۱۴۹.

کرده و مواد ۴۸۳ و ۴۸۴ چگونگی برخورد با بدهکاران متهم به تقلب و تقصیر را بیان می‌دارد. ماده ۴۸۵ چگونگی اعتراض به قرارداد را بیان کرده است. بر اساس ماده ۴۸۶ دادگاه نمی‌تواند پیش از بررسی اعتراضات در مهلت قانونی، قرارداد را تصدیق کند و ماده ۴۸۷ عضو ناظر را مکلف به ارائه گزارش ورشکستگی به دادگاه پیش از تصدیق قرارداد می‌نماید. نهایتاً ماده ۴۸۸ اعلام می‌کند که دادگاه از تصدیق قراردادی که قواعد مذکور در مواد قبل را رعایت ننموده باشد، امتناع خواهد کرد.

همچنین در خصوص اثرات قرارداد ارفاقی، ماده ۴۸۹ بیان می‌دارد که به محض انعقاد این قرارداد نسبت به اکثریت معتبر است، ولی اقلیت می‌تواند سهم گرمائی خود را دریافت دارند. ماده ۴۹۰ به عدم قبول دعوی بطلان قرارداد پس از تصدیق اشاره داشته و طبق ماده ۴۹۱ پس از تصدیق، مدیر تصفیه را موظف به ارائه صورت حساب به انضمام دفاتر و اسناد و اموال و دارایی ورشکسته به نامبرده نموده و مأموریتش خاتمه می‌یابد.

نهایتاً در ابطال و فسخ قرارداد ارفاقی ماده ۴۹۲ اعلام می‌کند در صورت محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب و چنانچه طبق ماده ۴۹۰ حيله‌ای در اعلام دارایی و دیون به کار برده باشد، قرارداد باطل است و ماده ۴۹۳ بیان می‌دارد که در صورت بطلان قرارداد ضمانت ضامنین ملغی می‌شود. ماده ۴۹۴ از امکان طرح دعوی فسخ علیه تاجر که شرایط قرارداد را رعایت ننموده سخن می‌گوید. ماده ۴۹۵ در خصوص مسئولیت ضامنین بوده و ماده ۴۹۶ اقدامات تأمینی دادگاه در این شرایط را بیان می‌دارد. بر اساس ماده ۴۹۷ پس از ابطال یا فسخ مدیر تصفیه و عضو ناظر تعیین می‌شود. ماده ۴۹۸ وظایف مدیر تصفیه را پس از تعیین اعلام می‌کند. ماده ۴۹۹ تکلیف مطالبات تشخیص شده را معین می‌کند. ماده ۵۰۰ عدم بطلان معاملات منعقدۀ پیش از بطلان قرارداد ارفاقی را اعلام می‌کند. ماده ۵۰۱ در خصوص تقسیم گرمایی گفته و ماده ۵۰۲ از کسر وجوه دریافتی قبلی از سهم گرمایی می‌گوید و نهایتاً ماده ۵۰۳ تکلیف وضعیت ورشکستگی مجدد پس از قرارداد ارفاقی را مشخص می‌کند.

لازم به توضیح است که باتوجه به سختگیرانه بودن این قانون نسبت به بدهکار، انعقاد و اجرای قرارداد ارفاقی طبق آن در عمل بسیار نادر است.

۲-۲-۲. طرح بازسازی

بازسازی یکی از مهم‌ترین آیین‌های رسیدگی به امور بنگاه‌های متوقف است که امروزه در تمام کشورهای صاحب نظر مورد بحث و بررسی فراوان و اجرای گسترده قرار گرفته است.

نه تنها در قانون تجارت ما و همچنین قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی به دلیل قدیمی بودن آنها چنین آیینی وجود ندارد، بلکه حتی در لایحه ارسالی به کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس که در سال ۱۳۹۱ تصویب شد، اثری از این شیوه پُر کاربرد وجود ندارد. البته در لایحه ارسالی به کمیسیون اقتصادی سال ۱۳۸۴ به خوبی به این راهکار در قالب توسعه نهادهای شبه قضائی پرداخته شده بود،^۱ لکن از آنجا که این لایحه از دور تصویب خارج گردید، توضیح آن در این مقاله ضروری به نظر نمی‌رسد. البته هر جا که مصالح عمومی کشور در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... ایجاب نماید، می‌توان تعدادی از راهکارهای پیش‌گفته در توقف احتمالی یا درجه سه را جهت نجات و احیای بنگاه متوقف قطعی یا درجه دو نیز مورد استفاده قرار داد، اما از آنجا که این تحقیق درصدد یافتن تناسب مداخلات قضائی با درجه توقف بنگاه‌های اقتصادی است، مناسب‌ترین راهکار در هر میزان از توقف در همان درجه شرح داده شده است.

۳. توقف بحرانی یا درجه یک

چنان بحرانی‌های مالی بنگاه شدید بوده و قابلیت بازیابی وجود نداشته باشد، متوقف بحرانی محسوب گردیده و آیین «تصفیه و انحلال» در هر دو کشور برایشان پیش‌بینی می‌شود.

۳-۱. حقوق فرانسه

در حقوق این کشور برای بنگاهی که دارای مشکلات مالی حاد و بحرانی بوده و به وضوح امکان حلّ این مشکلات وجود ندارد و در واقع دارای توقف بحرانی یا درجه یک می‌باشد، آیین تصفیه و انحلال به شرح ذیل پیش‌بینی شده است:

هر شخص ذی‌نفع و ذی‌سمت از جمله بدهکار و بستانکار می‌تواند تقاضای تصفیه را در دادگاه مطرح نمایند. دادستان نیز اختیار طرح درخواست تصفیه را دارد. همچنین دادگاه می‌تواند رأساً و به تشخیص خود نیز این آیین را آغاز نماید. لازم به توضیح است که به ندرت آیین تصفیه مستقیماً و بدون عبور از راهکار بازسازی علیه بنگاهی آغاز می‌شود. در واقع باید بازسازی «آشکارا غیرممکن»^۲ باشد تا آیین تصفیه آغاز گردد.^۳ بسیاری از نقش‌ها

۱. صقری، محمد، پیشین، ص ۵۶۱.

2. Manifestement impossible.

3. L-640-1.

و ارگان‌هایی که در سایر آیین‌ها بیان گردید، در اینجا نیز وجود دارد و ممکن است تخصصاً جهت تصفیه تغییر نقش دهند. برای مثال چنانچه آیین‌های پیشین مؤثر واقع نگردد، نماینده طلبکاران به‌عنوان مدیر تصفیه منصوب می‌گردد.^۱ همچنین در اینجا نیازی به تشکیل هیأت طلبکاران نیست. در ضمن دستور به شروع مراحل تصفیه دادگاه قاضی ناظر را تعیین می‌کند. در صورت پیچیدگی کار ممکن است چند قاضی منصوب شوند. کارشناسان لازم نیز در ضمن این حکم بنا به نیاز معرفی می‌شوند. دادستان نیز می‌تواند مدیر تصفیه را به دادگاه پیشنهاد دهد که در صورت رد پیشنهاد، دادگاه باید دلایل مشخصی ارائه دهد.^۲ معمولاً ادعاهای طلبکاران که پیش از این در طرح‌ها بررسی و تأیید شده معتبرند. به‌رحال صدور حکم تصفیه مهلت دو ماهه‌ای را به طلبکاران می‌دهد تا مطالبات خود را مطرح کنند. کلیه مطالبات حال می‌شوند و مدیر تصفیه ترتیب پرداخت به طلبکاران را بر اساس اولویت می‌دهد.

چنانچه بدهکار هیچگونه املاکی نداشته و بیش از یک کارمند نداشته و گردش مالی پیش از کسر مالیاتش بیش از سی صد هزار یورو نباشد، اجباراً مورد تصفیه اختصاری قرار گرفته^۳ و همچنین چنانچه بین دو تا پنج کارمند داشته و گردش مالی بین سی صد هزار تا هفت صد و پنجاه هزار یورو پیش از کسر مالیات داشته باشد نیز دادگاه مختار است تصفیه اختصاری را برای آن انتخاب کند. در این صورت مدیر تصفیه ظرف سه ماه پس از صدور حکم تصفیه، کلیه اموال بدهکار را فروخته و حاصل آن را بین طلبکاران توزیع می‌کند. چنانچه اعمال این روش اختیاری باشد، دادگاه در حکم خود تعیین می‌نماید که کدام یک از اموال بدهکار باید از طریق مزایده به فروش برسد.

نهایتاً این فرایند باید ظرف مدت یک‌سال پس از صدور حکم تصفیه به پایان برسد، اما برای تصفیه عادی مهلت سه ساله در نظر گرفته شده است. در حکم تصفیه ممکن است شخص ورشکسته^۴ مورد مجازات قرار گیرد، به‌طور کلی از تجارت منع شود یا از اشتغال به امور خاصی ممنوع شود و این ممنوعیت می‌تواند تا ۱۵ سال تداوم یابد. همچنین در صورتی که عدم کفایت دارایی از بدهی به دلیل خطای مدیران بنگاه باشد، دادگاه می‌تواند حکم نماید

1. L-641-1.

2. L-641-9.

3. Jacquemont, André et Régis Vabres, Op.cit, P. 615.

4. Le faillié.

که تمام یا تعدادی از مدیران به نسبت سهمی که در بروز خطای مدیریتی منتج به افزایش بدهی از دارایی گشته‌اند، مسئول باشند. مبالغ مأخوذه از مدیران جزء دارایی بدهکار محسوب گردیده و در امر تقسیم لحاظ می‌شود. لازم به تأکید است که در اینجا بحث از خطای مدیریتی است و این امر الزاماً به معنای ارتکاب جرم نبوده و مدیران از باب مسئولیت مدنی و در صورت احراز رابطهٔ سببیت مسئول قلمداد می‌شوند.

نهایتاً ختم تصفیه آغازگر زوال شخصیت حقوقی بوده و مأموریت و تکالیف مدیر تصفیه نیز پایان پذیرفته و شرکت منحل می‌گردد.

۲-۳. حقوق ایران

چنانچه بدهکار متوقف به شرایط بحرانی رسیده و امکان نجات و احیای وی از مشکلات مالی و پشت سر گذاشتن بحران وجود نداشته باشد، تنها آیین باقیمانده «تصفیه و تفریغ حساب و تقسیم و ختم عملیات ورشکستگی» به شرح ذیل است.

انحلال برای بنگاه ورشکسته تابع مقررات ورشکستگی است.^۱ منظور از انحلال صرفاً نتیجهٔ نهایی آن نیست، بلکه منظور وضعیت حقوقی جدیدی است که در اثر صدور حکم تا پایان تصفیه مستقر می‌گردد و نتیجهٔ آن تصفیهٔ اموال است. البته از آنجا که شرکت تجاری پس از انحلال نیز برای تصفیه و از جمله اتمام اجرای تعهدات باقیمانده دارای شخصیت حقوقی بوده و فعال است،^۲ این امکان وجود دارد که پس از انحلال و درحین تصفیه دچار ناتوانی گردد، لذا قابل تصور است که حکم ورشکستگی پس از انحلال نیز صادر شده و بحران ناشی از توقف، مدیریت گردد.^۳

بر این اساس ماده ۵۰۴ به بعد قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ به تدوین مقررات موجود در این زمینه پرداخته است. براساس ماده ۵۰۴ «اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد، مدیر تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد.» در مواد بعدی چگونگی ادامهٔ کار توسط وکیل و عامل را توضیح داده و در ماده ۵۱۰ مدیر تصفیه را مکلف می‌گرداند که تحت نظر ناظر و با حضور تاجر، کلیهٔ اموال منقول و غیر منقول تاجر ورشکسته

۱. ماده ۲۰۰ لایحه قانونی سال ۱۳۴۷.

۲. پاسبان، محمدرضا، «حقوق شرکت‌های تجاری»، چاپ ششم، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰)، ص ۳۸۴.

۳. کاویانی، کوروش، پیشین، ص ۵۵.

را بفروش رسانده و مطالبات و دیون و حقوق او را صلح و مصالحه وصول و تفریح کند، سپس مطابق ماده ۵۱۱ مدیر تصفیه حساب خود را به ناظر و طلبکارها و تاجر خواهد داد. در مواد ۵۱۴ الی ۵۲۱، قانون گذار اقسام طلبکاران را توضیح داده و حقوق هر یک را برمی شمارد. همچنین در مواد ۵۲۲ الی ۵۲۷ شیوه تقسیم وجوه بین افراد ذی نفع توضیح داده می شود. سپس به دعاوی استرداد و شیوه اعتراض پرداخته است. مواد ۵۴۱ الی ۵۶۰ در خصوص ورشکستگی به تقصیر و تقلب بوده و مجازات های مقرر برای آن را توضیح می دهد و نهایتاً پرونده بنگاهی که زیان ده بوده و امکان رهایی از گرداب مشکلات را ندارد، بسته می شود.

همچنین قانون گذار با تصویب قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی در مورخه ۱۳۱۸/۴/۲۴، شیوه تصفیه بنگاه ورشکسته از طریق این اداره را تدوین کرده است.^۱ در این قانون ۶۰ ماده ای، در مواد ۱ الی ۱۲، سازمان اداره تصفیه توضیح داده شده و مواد ۱۳ الی ۲۲ به اقدامات تأمینی این اداره برای حفظ اموال بدهکار در جهت حفظ منافع بستانکاران می پردازد. در مواد ۲۳ الی ۲۵ ضمن بیان مقررات دعوت از بستانکاران جهت اجرای عملیات تصفیه، به شرح تصفیه اختصاری پرداخته و در مواد ۲۶ الی ۲۹، اداره اموال توسط اداره تصفیه را تدوین می نماید. مواد ۳۰ الی ۳۷ چگونگی رسیدگی به مطالبات را شرح داده تا ماده ۳۸ که به نحوه تصفیه می پردازد. براساس این ماده پس از رسیدگی به مطالبات، بستانکاران تصدیق شده به جلسه دعوت می شوند. طبق ماده ۳۹ اداره ضمن ارائه گزارش وضعیت دارایی و مطالبات متوقف و استماعن ظرات متوقف و بستانکاران، تصمیم لازم را می گیرد. بر حسب ماده ۴۰، اموال متوقف به جز موارد استثنائی که در این ماده مطرح شده است از طریق مزایده به فروش می رسد. همچنین مواد ۴۱ الی ۴۵ شرایط و مقررات مزایده را تشریح می نماید.

مبحث هفتم از این قانون به بحث تقسیم وجوه حاصله از فروش می پردازد. بدین توضیح که براساس ماده ۴۶ پس از حصول وجوه نقد حاصل از فروش اموال اداره صورت حاصل دارایی و حساب نهایی را تنظیم نموده و هزینه های معموله کسر گردیده و نتیجه نهایی و سهمی که به هر بستانکار می رسد، طی مدت ده روز در اختیار بستانکاران قرار می گیرد. در ماده ۴۷ و ۴۸ به نحوه تقسیم وجوه و سهام بین طلبکاران پرداخته است.

۱. ستوده تهرانی، حسن، «حقوق تجارت»، جلد چهارم، چاپ چهارم، (تهران: نشر دادگستر، تهران ۱۳۸۰)، ص ۲۵۹.

مبحث هشتم به خاتمه ورشکستگی اختصاص دارد.^۱ براساس ماده ۴۹ پس از تقسیم اموال، خاتمه ورشکستگی اعلام خواهد شد و چنانچه پس از آن مالی کشف شود، تحت تصرف اداره بدون تشریفات به فروش رفته و حاصل آن تقسیم می‌شود. همچنین ماده ۵۰ این قانون اداره را مکلف می‌گرداند که از تاریخ وصول حکم، ظرف مدت هشت ماه عملیات تصفیه را به انجام رساند.

همچنین لایحه پیشنهادی به کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس در سال ۱۳۹۱ نیز راهکارهای مشابهی را برای تصفیه بنگاهی که توقف درجه یک داشته و در شرایط حادث بحرانی به سر می‌برد و احتمال احیا و نجاتش هم نمی‌رود، ارائه داده است.

ماده ۱۰۵۸ این لایحه بیان می‌دارد که چنانچه قرارداد ارفاقی فسخ یا ابطال شود، دارایی بنگاه بین بستانکاران سابق و اشخاصی که پس از انعقاد قرارداد بستانکار شده‌اند، حسب اصول تصفیه اموال ورشکسته، تقسیم می‌شود و طبق ماده ۱۰۵۹ چنانچه بستانکاران گروه دوم پیش از این مالی دریافت کرده‌اند، از سهم غرمائیشان کسر می‌شود. همچنین ماده ۱۰۶۷ در خصوص وظایف و اختیارات مدیر تصفیه در امر تفریغ حساب و ختم عملیات ورشکستگی می‌گوید. ماده ۱۰۵۷ نیز مجازات‌های تبعی و تنبیه‌های خاص تاجر و مدیران بنگاه را اعلام می‌نماید.

اما در فصل سوم به‌طور اختصاصی به مبحث تفریغ حساب و ختم عملیات ورشکستگی می‌پردازد. در ماده ۱۰۹۴ مدیر تصفیه مکلف می‌شود تحت نظارت قاضی ناظر و با حضور تاجر یا دادستان به فوریت پس از صدور حکم ورشکستگی عملیات تصفیه و تفریغ حساب ورشکسته را شروع کند. کلیه اموال منقول و غیرمنقول تاجر را فروخته و مطالبات و دیون وی را به داوری ارجاع نموده، صلح یا وصول نماید و حساب تاجر را تصفیه کند. مواد ۱۰۹۵ الی ۱۱۰۸ به شیوه واگذاری اموال به صورت یک‌جا یا جداگانه از طریق مزایده پرداخته و استثنائات را بیان داشته است. مواد ۱۱۰۹ الی ۱۱۲۰ در خصوص رسیدگی به مطالبات و شیوه تقسیم وجوه حاصل از فروش بین افراد ذی‌نفع می‌پردازد و سپس ترتیب تقدم طلبکاران را بیان داشته و در ماده ۱۱۲۱ اعلام می‌نماید که به محض اتمام تفریغ و تصفیه حساب تاجر جلسه‌ای تشکیل و مأموریت مدیر تصفیه پس از استماع صورت حساب وی خاتمه می‌یابد. ضمناً بستانکاران معترض می‌توانند شکایت خود را ظرف ده روز از انتشار آگهی

۱. اعظمی زنگنه، عبدالحمید، «حقوق بازرگانی»، چاپ چهارم، (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۳)، ص ۳۵۹.

صورت مجلس جلسه فوق نرد دادگاه مطرح نمایند. نهایتاً دادگاه پس از رسیدگی به شکایات احتمالی حسب ماده ۱۱۲۲ ختم عملیات ورشکستگی را اعلام می‌کند. چنانچه پس از این تاریخ، مالی از تاجر کشف شود به فروش رسیده و وجوه حاصل بدون تشریفات تقسیم می‌شود. ماده ۱۱۲۴ نیز مهلت انجام عملیات تصفیه را نه ماه پس از صدور حکم ورشکستگی تعیین نموده است. متعاقباً مواد ۱۱۲۵ الی ۱۱۳۳ به مقررات خاص شرکت‌های تجاری در خصوص تصفیه پرداخته است. به این ترتیب بنگاه‌های اقتصادی که در شرایط توقف بحرانی قرار دارند، تصفیه شده و منحل می‌گردند.

راه کارهای مقابله با درجات مختلف توقف در کشورهای ایران و فرانسه در جدول زیر خلاصه می‌شود

فرانسه			ایران		
توقف بحرانی یا درجه یک	توقف قطعی یا درجه دو	توقف احتمالی یا درجه سه	توقف بحرانی یا درجه یک	توقف قطعی یا درجه دو	توقف احتمالی یا درجه سه
تصفیه و انحلال	قرارداد ارفاقی	هشدار	تصفیه و انحلال	قرارداد ارفاقی	اعسار تجاری
	بازسازی قضائی	نماینده موقت		طرح بازسازی	لایحه قانونی تصفیه فوری بازرگانان متوقف
					هیئت حمایت صنایع
					کمیسیون بحران
		کارگروه حمایت از تولید			
ستاد تسهیل امور و پشتیبانی امور تولیدی و شهرک‌های صنعتی					
لایحه قانون تجارت سال ۱۳۹۱	دادرسی حفاظت‌شده				

نتیجه

با بررسی دو نظام حقوقی می‌توان دریافت که در کشور فرانسه قانون‌گذاران به‌خوبی تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی را ملحوظ نموده و متناسب با نیازهای روز راهکارهای قانونی مناسب را پیش‌بینی و تدوین نموده‌اند و بدین ترتیب می‌توان با عنایت به شدت توقف بنگاه‌ها آیین‌های مرتبط را انتخاب نموده و به کار بست. در همین حال شاهد عدم تناسب مقررات قانونی با شرایط موجود و همچنین با شدت بحران مالی بنگاه‌ها در ایران هستیم که این امر ضرورت تقنین مناسب را بیش‌ازپیش هویدا می‌سازد. نهایتاً از مطالب مطرحه در این تحقیق می‌توان در پاسخ به سؤالات پیش‌گفته اذعان نمود که اولاً با توجه به «شدت توقف» به‌عنوان معیار می‌توان ورشکستگی را به درجات سه‌گانه «درجهٔ سه یا احتمالی»، «درجهٔ دو یا قطعی»، «درجهٔ یک یا بحرانی»، تقسیم کرد؛ ثانیاً با عنایت به این تقسیم‌بندی می‌توان مداخلات قضائی متناسب با هر درجه را باز یابی کرده و به کار برد تا شاهد تأثیر بهینهٔ اقتصادی و اجتماعی آن باشیم.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Zahra Mahmoodi



<http://orcid.org/0000-0002-2750-5135>

Mehdi Montazer



<http://orcid.org/0000-0001-8635-4042>

منابع

الف) فارسی

اسکینی، ربیعا، «حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته»، چاپ سوم، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸).

اعظمی زنگنه، عبدالحمید، «حقوق بازرگانی»، چاپ چهارم، (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۳).

انوری‌پور، سیدمحسن، «ورشکستگی در حقوق ایران»، (قم: چاپ‌خانه حکمت، ۱۳۵۳).

- پاسبان، محمدرضا، «حقوق شرکت‌های تجاری»، چاپ ششم، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰).
- ستوده تهرانی، حسن، «حقوق تجارت»، جلد چهارم، چاپ چهارم، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۰).
- صقری، محمد، «حقوق بازرگانی، ورشکستگی»، چاپ سوم، (تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶).
- کاویانی، کوروش، «حقوق ورشکستگی»، چاپ سوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳).

ب) انگلیسی و فرانسوی

- Bernstein, Donald, "*The Insolvency Review*", 8th ed, (London: Law Business Research Ltd, 2020).
- Bork, Reinhard, "*Corporate Insolvency Law*", (London: Intersentia Ltd, 2020).
- Cornu, Gérard, "*Vocabulaire Juridique*", 11^e é édition (Paris: Press Universitaires de France: 2016).
- Derrida, Gode, Sortais et honorat, "*Redressement et Liquidation Judiciaire des Entreprises, avec La Collaboration*", 3th ed, Dalloz.
- Gullifer, Louise & Jennifer Payne, "*Corporate Financial law, Principles and policy*", third edition, Hart publishing, 2020.
- Yves, Guyon, "*Entreprises en difficulté, Encyclopédi ecommercial*", (France: Dalloz, 1996).
- Jacquemont, André et Régis Vabres, "*Droit des entreprises en difficulté*", 9^e édition, (LexisNexis, 5015).
- Pérochon, Françoise, "*Entreprises en difficulté*", 10^e édition, (LGDJ, 2014).
- Ripert George et Roblot René, "*Droit Commercial*", 9th éd, (L. G. D. J., 1981).
- Rodiere Ren.é et Oppetit Bruno, "*Droit Commercial*", 8th éd, Dalloz, 1978.
- Andrew, Tetley., Reed, Smith, Marcel, Beyle, "*Insolvency Law in France*", (France: EA 4332 Limoges University, 2009).

In Persian

- Eskini, Rabia, "*Commercial Law: Bankruptcy and Liquidation*", 3^{ed} (Tehran: Samat, 1999) [In Persian].
- Azami Zangeneh, Abdolhamid, "*Commercial Law*", 4th, (Tehran: Bina, 1974) [In Persian].
- Anvaripour, Seyed Mohsen, "*Bankruptcy in Iran Law*", (Qom: Hekmat, 1974) [In Persian].
- Pasban, Mohammad Reza, "*Commercial Company Law*", 6th, (Tehran: Dadgostar, 2000) [In Persian].

تناسب مداخلات قضائی با درجهٔ توقف بنگاه اقتصادی در ... | محمودی و همکاران | ۱۷۳

Sotudeh Tehrani, Hassan, *Commercial Law*, Vol 4, 4th, (Tehran: Dadgostar, 2000) [In Persian].

Saghari, Mohammad, *Commercial Law and Bankruptcy*, 3th, (Tehran: Sahami Enteshar, 2017) [In Persian].

Kaviani, Horush, *Bankruptcy Law*, 3th, (Tehran: Mizan, 2014) [In Persian].

استناد به این مقاله: محمودی، زهر، منتظر، مهدی، آدابی، حمیدرضا و خیری، عیسی. (۱۴۰۱). تناسب مداخلات

قضائی بادرجهٔ توقف بنگاه اقتصادی در حقوق ایران و فرانسه. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۰(۳۷)، ۱۴۳-۱۷۳. doi:

10.22054/jplr.2022.64999.2633



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.